

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برگزیده کتاب

تندیس صفا

(زندگینامه عالم فرزانه
آیت الله آقای حاج شیخ عبدالوهاب روحی یزدی)

نویسنده:

محمد حسین روحی یزدی

برگزیده نویسی:

اسماعیل داستانی بنیسی

بسم الله الرحمن الرحيم

این متن، برگزیده کتاب «تندیس صفا: زندگینامه عالم فرزانه آیت الله آقای حاج شیخ عبدالوهاب روحی یزدی» (محمدحسین روحی یزدی، چاپ نخست، کرج، انتشارت راه و داد، زمستان ۱۳۸۵) است. این کتاب، رقعی است و ۸۰ صفحه دارد و نویسنده اش زاده سال ۱۳۳۸ است.

بنده، این کتاب را در روز شنبه، ۱۳۹۸/۴/۲۲، خواندم - البته پیش از آن هم خوانده بودم. -، برگزیده اش را نوشتم و عناوین و شماره های مطالب را به آن افزودم.

برگزیده نویسی و انتشار این اثر را به روح شریف آیت الله روحی - رضوان الله تعالی علیه. - و شفابخش ایشان، حضرت فاطمه معصومه - سلام الله تعالی علیها. - تقدیم می کنم.

اسماعیل داستانی بنیسی

آیت الله عبدالوهاب روحی یزدی

۱. بسیار کم حرف بود و تا ضرورت نبود، سخن نمی گفت و به حق، یکی از آیات و مصادیق فرمایش حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بود که می فرمایند: «كونوا لنا زیناً، ولا تكونوا علينا شیناً. قولوا للناس حسناً، واحفظوا

السنتکم، وکفوا عن الفضول وقبح القول.^۱

۲. در هر قراری، به موقع و معمولاً دقایقی قبل از موعد، در محل، حاضر بودند.^۲

۳. توصیه داشتند هر گاه عضوی از اعضای بدن، مبتلای به درد و کسالت گردید، با وضو به حرم اهل بیت علیهم السلام و در شهر مقدس قم، به حرم حضرت معصومه علیها السلام بروید و پس از زیارت و رازونیز، مقداری از گرد و خاک نشسته در اطراف حرم و بر روی سنگ‌ها را با دست بردارید و بر روی محلّ درد بمالید؛ که در آن، دواي هر درد است.

می‌فرمودند: «من هر گاه دست و پا یا می‌گیرد، از این طریق، بهبود آن را به دست می‌آورم.»^۳

۴. زندگی بسیار دقیق و منظمی داشتند... و اوقات روز و هفته و ماه خود را درست و دقیق، برنامه‌ریزی کرده بودند؛ به گونه‌ای که آشنای با زندگی ایشان، اگر با آن مرحوم نبود، به خوبی می‌توانست حدس بزند حاج آقا مشغول کدام برنامه روزمره خود هستند.^۴

۵. مخالف با خواب بعد از نماز صبح بودند.

۶. در اواخر عمر، بیش‌تر اوقات خود را با تلاوت آیات و مطالعه تفسیر

۱. مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار؛ برگرفته از: ص ۱۱.

۲. ص ۲۶.

۳. ص ۴۴.

۴. ص ۴۴ و ۴۵.

قرآن کریم می گذرانند.

۷. شب های جمعه دعای کمیلشان ترک نمی شد.

۸. شب ها را زود می خوابیدند و قبل از اذان صبح، از خواب بیدار می شدند.

۹. مقید بودند تا در مناسبت های وفیات و اعیاد، در منزل به مطالعه زندگی معصومین علیهم السلام بپردازند و نیز خود را ملزم به شرکت در مجلس جشن و عزای اهل بیت علیهم السلام می دانستند و به دیگران، از جمله فرزندان نیز توصیه داشتند در مجالسی که به نام اهل بیت علیهم السلام برپا می شود، شرکت کنید.^۱

۱۰. پیوسته زیارت عاشورا می خواندند و در دهه اول ماه محرم، هر روز یکی - دو ساعت پس از طلوع آفتاب، در مکانی مرتفع و زیر آسمان ایستاده و زمزمه خوبی از زیارت عاشورا داشتند و زیارت را با آداب ویژه و با یکصد لعن و یکصد سلام انجام می دادند.^۲

۱۱. معمولاً هر روز به زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام مشرف می شدند.

۱۲. چنانچه کسی غیبت می کرد، ابتدا غیبت کننده را منع نموده و

۱. ص ۴۵.

۲. ص ۴۵ و ۴۶.

چنانچه مؤثر واقع نمی شد، جلسه را ترک می کردند.^۱

۱۳. یکی از ساکنین کوچه... در مسیر رفت و آمد مرحوم آقا... می گفت: «ما وقتی بچه و جوان بودیم، هنگامی که حاج آقای روحی را در مسیر می دیدیم، آرزو داشتیم برای یک بار، ابتدا ما به ایشان سلام کنیم؛ اما همیشه ایشان در سلام از ما سبقت می گرفتند.»

در بین اهالی محل، زبازد بود که کم تر کسی توانسته است به حاج آقای روحی سلام کند و همیشه آن مرحوم به دیگران سلام می کردند و تأسی از رسول گرامی اسلام [ﷺ] داشتند که مکرر می فرمودند: ^۲ «لِمَ يَسْبِقُنِي أَحَدٌ بِالسَّلَامِ...»

حضرت امام باقر (ع) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَفْشَاءَ السَّلَامِ...»^۳ ... از اخلاق و سنت پیامبر (ﷺ) ... «كَانَ يَسَلِّمُ عَلَى الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ»^۴ ... پیش سلام بودن در جامعه، در حد بسیار فراوان می تواند برای انسان موقعیت اجتماعی و محبوبیت و مقبولیت ایجاد کند.^۵

۱۴. خوش بین... بودند.

۱۵. همیشه توصیه داشتند که دو چیز، عامل موفقیت انسان در کارها و

۱. ص ۴۶.

۲. ص ۴۸.

۳. وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۴۳۶ و روضة المتقین، ج ۱۲، ص ۱۲۹.

۴. سنن النبی (ﷺ)، ش ۶۴.

۵. ص ۴۹.

موجب گشایش در امور می‌باشد. یکی نماز اول وقت و دوم رضایت و دعای خیر والدین در حق اولاد است.

ایشان خود را ملزم به تلاوت و تأمل در آیات قرآن، هر روز بعد از نماز صبح می‌دانستند و زیاد تفسیر قرآن مطالعه می‌کردند.^۱

۱۶. نزد همه افراد با عبا و قبا و عمامه ظاهر شده و می‌نشستند و در هنگام نشستن، تکیه به جایی نمی‌دادند و اگر هم در کنار دیوار می‌نشستند، مقداری از دیوار فاصله می‌گرفتند...^۲

۱۷. با این که چهل سال از درگذشت مادرشان می‌گذشت، از او بسیار یاد می‌کردند و معمولاً هفته‌ای یک بار، صبح روز پنج‌شنبه و یا جمعه، در کنار مرقدش حاضر می‌شدند...^۳

۱۸. هنگامی که فوت همشیره [= دختر ایشان] اعلام شد، مرحوم آقا را چون کوهی استوار و صبور مشاهده کردم. گویا از آن علاقه و وابستگی به همشیره، هیچ خبری نیست و جمله استرجاع را بر زبان جاری کرده و می‌گفتند: «**إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**» و به حق، مصداق صابر در آیه شریفه قرآن را دیدم که «**وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصِ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا**

۱. ص ۵۰

۲. ص ۵۳

۳. ص ۵۴

اصابتهم مصیبة قالوا انا لله وانا اليه راجعون»^۱.

۱۹. پای هر فرد تازه‌وارد برمی‌خاستند و احترام می‌گذاشتند.^۲

۲۰. هر چیز نمی‌خوردند و آنچه می‌خوردند، اندک بود و در خوردن و آشامیدن، دستورات شرع را مراعات می‌کردند و از پراکنده و پُر خوردن اجتناب داشتند. ...

همیشه قبل از سیری، دست از خوردن غذا می‌کشیدند و توصیه‌های سلامتی و بهداشتی را کاملاً رعایت می‌کردند و به همین علت، از سلامتی عمومی خوبی برخوردار بودند.^۳

۲۱. فقط به خشنودی خداوند می‌اندیشیدند. ...

می‌فرمودند: «خواسته‌های نفس، سیری‌ناپذیر و تمام‌نشدنی است.»^۴

۲۲. با همه فضائل علمی و اخلاقی، به لحاظ وارستگی و بی‌ادعایی، برای احدی فخر نفروخته و برخورد خاضعانه داشتند و خود را به عنوان یک طلبه یزدی معرفی می‌کردند و به حق، رفتارشان نیز چنین بود.^۵

۱. ص ۶۳.

۲. ص ۶۴.

۳. ص ۶۶.

۴. ص ۷۰.

۵. ص ۷۳.

مطالب دیگر

۱. [حضرت رسول اکرم ﷺ]: «إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا دَعَا جِبْرِئِيلَ، فَقَالَ: "يَا جِبْرِئِيلُ! إِنِّي أَحَبُّ فَلَانًا؛ فَأَحِبَّهُ."؛ فَيَحِبُّهُ جِبْرِئِيلُ؛ ثُمَّ ينادي في أهل السماء: "إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ فَلَانًا؛ فَأَحِبُّوهُ."؛ فَيَحِبُّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ؛ ثُمَّ يُوَضَّعُ لَهُ الْقَبُولُ فِي الْأَرْضِ.»^۱

۲. آقا می فرمودند: «در سفری که برای حج تمتع تشرّف پیدا کرده و در حال طواف خانه خدا بودم، مرد عربی با قامتی بلند و صدای رسا و زیبا، کنارم در حال طواف دیدم که با لحنی جذاب، این دعای طواف را می خواند: "اللّهُمَّ! اِنَّ مَغْفِرَتَكَ اَرْجى مِنْ عَمَلِي، وَاِنَّ رَحْمَتَكَ اَوْسَع مِنْ ذَنْبِي. اللّهُمَّ! اِنْ كَانَ ذَنْبِي عِنْدَكَ عَظِيماً فَعْفُوْكَ اعْظَمُ مِنْ ذَنْبِي. اللّهُمَّ! اِنْ لَمْ اَكُنْ اَهْلًا اَنْ اَبْلُغْ رَحْمَتَكَ فَرَحْمَتَكَ اَهْلٌ اَنْ تَبْلُغَنِي وَتَسَعْنِي؛ لِأَنَّهَا وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ!"^۲ چنان نیایش او با حضور قلب بود که احساس کردم دیوارهای کعبه با او هم نوا و هم صدا شده و گویا صدا از درب و دیوار کعبه، بلند است. لذت بردم و مقداری از طواف را با او همراه شدم؛ اما چند قدمی که رفتم، او را در بین جمعیت گم کردم و هر چه نگاه کردم، او را ندیدم.»^۳

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۱۴۵؛ نقل از: تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۵، ص ۴۵۴؛ برگرفته از: ص

۱۹.

۲. مفاتیح الجنان، تعقیبات مشترکه.

۳. ص ۲۳ و ۲۴.

۳. [حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره اهل تقوا:] «صَبَرُوا أَيَّاماً قَصِيرَةً
اعْقَبَتْهُمْ رَاحَةً طَوِيلَةً، تِجَارَةً مَرْبِحَةً يَسِّرُهَا لَهُمْ رَبُّهُمْ... ارَادَتُهُمُ
الدُّنْيَا، فَلَمْ يَرِيدُواهَا، وَاسْرَتْهُمْ، فَفَدَّوْا أَنْفُسَهُمْ مِنْهَا»^۱

۴. درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که یکن ستر علی باب بیته، فتكون
فيه التّصاویر، فيقول: «يَا قُلَانَةُ! (لأحدى ازواجه)... غَيَّبِيهِ عَنِّي؛ فَإِنِّي
إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ ذَكَرْتُ الدُّنْيَا وَزَخَارِفَهَا»^۲

۵. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «أَلَا! وَإِنَّ أَمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ
دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ^۳، وَ مِنْ طَعْمِهِ بِقُرْصِيهِ»^۴

درباره حضرت موسی علیه السلام می فرماید: «وَاللَّهِ مَا سَأَلَهُ إِلَّا خَبْرًا يَأْكُلُهُ؛
لَأَنَّهُ كَانَ يَأْكُلُ بَقْلَةَ الْأَرْضِ»...^۵

و درباره حضرت داوود علیه السلام می فرماید: «فَلَقَدْ كَانَ يَعْمَلُ سَفَائِفَ الْخُوصِ^۵
بِيَدِهِ...، وَ يَأْكُلُ قُرْصَ الشَّعِيرِ مِنْ ثَمْنِهَا»...

و حضرت عیسی علیه السلام: «كَانَ يَتَوَسَّدُ الْحَجَرَ، وَ يَلْبَسُ الْخَشِنَ، وَ يَأْكُلُ
الْجَشِيبَ؛ سَنَگَ رَا بَالِشْتَ خُود قَرَار مِی دَاد وَ لِبَاسِ پِشْمِی خُشَن بَه تَن

۱. نهج البلاغة، صبحی صالح، خطبة ۱۹۳، ص ۳۰۳؛ برگرفته از: ص ۲۵.

۲. سنن النبی صلی الله علیه و آله، ص ۶۶، ش ۶۴؛ برگرفته از: ص ۳۰ و ۳۱.

۳. دو جامه فرسوده.

۴. نهج البلاغة، صبحی صالح، نامه ۴۵، ص ۴۱۶؛ برگرفته از: ص ۳۸.

۵. زنبیل هایی از لیف خرما.

می کرد و نان خشک می خورد.»^۱

۶ امام صادق علیه السلام فرمودند: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا دخل منزلاً

قعد فی ادنی المجلس الیه حین یدخل.»^۲

۷. حضرت امام صادق علیه السلام ... درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله: «اذا جلس

لم یحلّ حبوته^۳؛ حتی یقوم جلیسه.»^۴

۸. [درباره همان حضرت نقل شده است:] انه کان یکره أن یقام له؛

فکانوا اذا قدّم لایقومون؛ لعلمهم کراهة ذلك.^۵

۹. [حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله]: «صَلُّوا اِرْحَامَکُمْ؛ و لَوْ بِالسَّلَام.»^۶

۱. همان، خطبه ۱۶۰، ص ۲۲۶؛ برگرفته از: ص ۳۹.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۲؛ برگرفته از: ص ۵۲.

۳. لباس و زینتشان را از تن در نمی آوردند.

۴. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۰۴.

۵. سنن النبی صلی الله علیه و آله، ش ۱۲۶؛ برگرفته از: ص ۵۳.

۶. بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۱۶۰؛ برگرفته از: ص ۶۰.